

# علم أصول الفقه

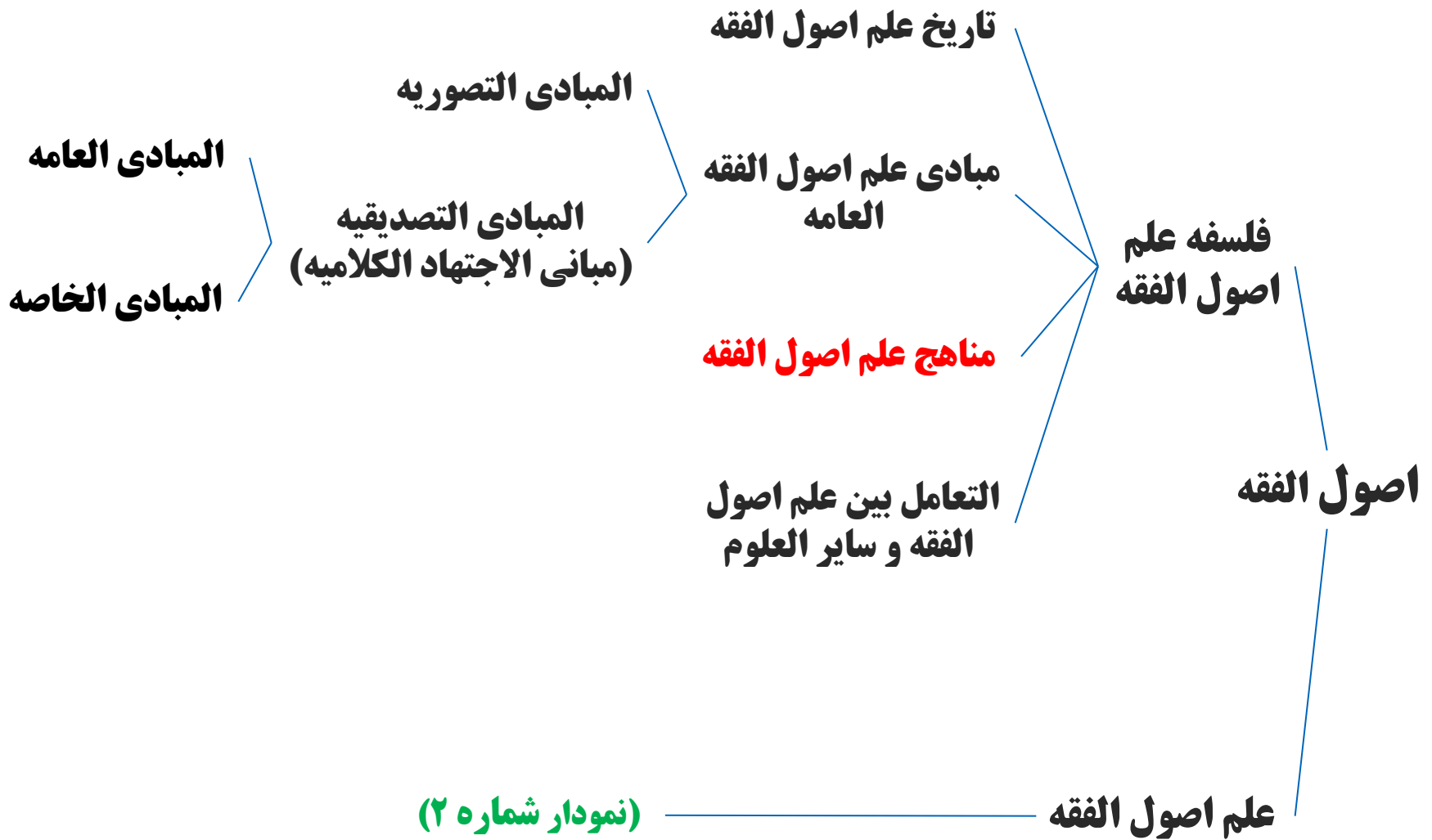
روشن تجزیاتی  
مثنیٰ شدہ

۴

۹۲-۸-۲۹ روش شناسی

دراسات الاستاذ:  
مہدی المادوی الطہرانی

(نمودار شماره ۱)



روش شناسی  
بخشی از  
فلسفه‌ی یک  
علم

روش  
چیست؟

تعریف دوری

روش، مسیر  
حرکت است.

مسیرهای  
همگون را  
یک روش  
تلقی می‌کنیم.

بین منطق و  
متدلوژی چه نسبتی  
برقرار است؟

منطق از فکر بحث  
می‌کند و متدلوژی از  
متد و روش که همان  
مسیر فکر است.

منطق و متدلوژی،  
دو نگاه هستند به  
یک چیز.

- آیا روش جامعی که همه‌ی علوم را در برگیرد، وجود دارد؟

## بخش اول: نگاهی اجمالی به روش‌های علوم

- قبل از این که به روش شناسی علم اصول فقه پردازیم، برای این که بیشتر با مباحث روش شناسی آشنا شویم، به علوم دیگر باز می‌گردیم و به صورت مختصر روش‌های موجود در آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. آنچه در این قسمت ارائه می‌کنیم، گزارشی است که از کتاب «فلسفه علمی» نقل می‌نماییم.

## بخش اول: نگاهی اجمالی به روش‌های علوم

- همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم این کتاب ترجمه‌ی کتاب «متدلوژی» فلیسین شاله است که آقای دکتر یحیی مهدوی به فارسی ترجمه نموده است. در این کتاب در حد بحث‌هایی که در آن زمان نسبت به مباحث متدلوژی وجود داشته، به روش‌شناسی در علوم گوناگون اشاره شده است.

## روش در ریاضیات

- اولین دانشی که در کتاب فلیسین شاله مطرح گردیده، دانش ریاضیات است.
- وی در مورد روش در ریاضیات می گوید:
- روش ریاضیات عبارت است از وضع چند اصل در آغاز، سپس استنتاج یک سلسله قضایا از این اصول و بعد ادامه‌ی این مسیر از طریق استنتاج قضایای دیگر مبتنی بر این اصول.



## روش در ریاضیات

- اصول در ریاضیات به سه بخش تقسیم می شود:
- ۱. تعاریف
- ۲. علوم متعارفه
- ۳. اصول موضوعه.

## روش در ریاضیات

- ۱. تعاریف
- یک سری مفاهیم ابتداءً تعریف می‌شوند که بخشی از آن به بعضی از شاخه‌های علم ریاضی مرتبط است و بخشی دیگر از آن عمومیت دارد.

## روش در ریاضیات

- ۲. علوم متعارفه
- بخش دوم - علوم متعارفه یا به زبان لاتینی «آکسیوم‌ها» - عبارت است از گزاره‌هایی که بین مقادیر، روابطی را به صورت غیر معین برقرار می‌کند. علوم متعارفه، قواعدی کلی در رابطه‌ی بین مقادیر است.
- به طور مثال «هر کلی بزرگتر از جزء خود است» یا «دو کمیت مساوی با کمیت ثالث، خودشان با یکدیگر مساویند» از آکسیوم‌ها و علوم متعارفه‌ی ریاضی است.

## روش در ریاضیات

- ۳. اصول موضوعه.
- بخش سوم، اصول موضوعه است. تفاوت این بخش با بخش دوم یعنی علوم متعارفه در این است که علوم متعارفه، قضایای بدیهی هستند؛ در حالی که اصول موضوعه از قضایای بدیهی نیستند؛ هر چند ممکن است قابل اثبات هم نباشند.

## روش در ریاضیات

- اصل موضوع معروفی که در ریاضیات مطرح است، اصلی است که هندسه‌ی اقلیدسی بر آن بنا شده است. بر اساس این اصل از هر نقطه خارج یک نقطه، تنها یک خط به موازات آن خط می‌توان رسم نمود. این اصل، مطلبی بدیهی نیست؛ هر چند در خود هندسه‌ی اقلیدسی قابل اثبات هم نیست.

## روش در ریاضیات

- برخی از ریاضی دان‌ها تلاش کرده‌اند این اصل موضوع را اثبات نمایند؛ اما در واقع تلاش آنها شکست خورده است؛ چرا که در هر اثباتی به نحوی از انحاء در نهایت به خود این اصل بازگشته و یک استدلال دوری ارائه نموده‌اند.

## روش در ریاضیات

- به عنوان نمونه در قرن نوزدهم، دو نفر ریاضی دان به صورت جداگانه برای اثبات این اصل موضوع به برهان خلف متوسل شدند. آنها گفتند، اگر نپذیریم که از یک نقطه خارج یک خط فقط یک خط به موازات آن خط رسم می شود، به امر باطل می رسیم و چیزی که مستلزم امر باطل باشد، خودش باطل است. بنابراین تقیض این اصل موضوع، باطل و خود آن، امری صحیح و درست است.

## روش در ریاضیات

- این دو ریاضی دان در تقيض قضیه‌ی فوق متفق نبودند و هر یک، یک تقيض را انتخاب کردند و در نتیجه برای اثبات قضیه‌ی فوق دو راه را طی نمودند. یکی از آنها قایل شد که تقيض قضیه‌ی فوق، قضیه‌ی زیر است: «از یک نقطه خارج خط، نمی‌توان هیچ خطی به موازات آن رسم نمود». وی با این فرض به بررسی این نکته پرداخت که آیا امر باطلی تحقق پیدا می‌کند یا خیر؟ اما هر چه بیشتر بررسی کرد، به هیچ امر متناقضی برخورد ننمود. همه‌ی نتایجی که به دست می‌آورد، اگرچه با نتایج هندسه‌ی اقلیدسی متفاوت بود، اما به هیچ نتیجه‌ی بدیهی البطلانی نمی‌رسید.



## روش در ریاضیات

- همین اتفاق برای فرد دیگر نیز افتاد. او فرض کرد از یک نقطه خارج خط، می‌توان بی‌نهایت خط به موازات آن خط رسم نمود و با در نظر گرفتن این فرض به عنوان تقیض قضیه‌ی مورد بحث، شروع به بررسی نمود. او هم به مجموعه‌ای از قضایا دست پیدا کرد که اگرچه با نتایج هندسه‌ی اقلیدسی متفاوت بود؛ اما در درون خود با هیچ‌گونه تناقضی روبه‌رو نبود و در واقع مجموعه‌ی قضایا با همدیگر هماهنگی داشتند.

## روش در ریاضیات

- این دو هندسه که به اسم دو ریاضی دان مُبَدَع یعنی «ریمان» و «لباچوسکی» معروف شدند، هندسه‌ی نااقلیدسی نام گرفتند و به عنوان دو هندسه با مبانی و اصول جداگانه مطرح شدند.

## روش در ریاضیات

- بدین ترتیب معلوم گردید که این اصل موضوع یعنی این قضیه که «از یک نقطه خارج یک خط فقط یک خط به موازات آن می‌توان ترسیم نمود»، غیر قابل اثبات است، و در واقع ریاضی دان با در نظر گرفتن این قضیه، به دیگر استدلال‌ها می‌پردازد و بقیه قضایای ریاضی را اثبات می‌کند. در صورت تغییر این پیش فرض و در نظر گرفتن فروض دیگر (مثل آنچه در هندسه‌ی نااقلیدسی اتفاق افتاد)، مجموعه‌ای از قضایا پیدا می‌شود که در درون خودش با سازگاری روبه‌رو است؛ اگرچه قضایا و نتایج به دست آمده با نتایج حاصل از فرض پیش متفاوت است.

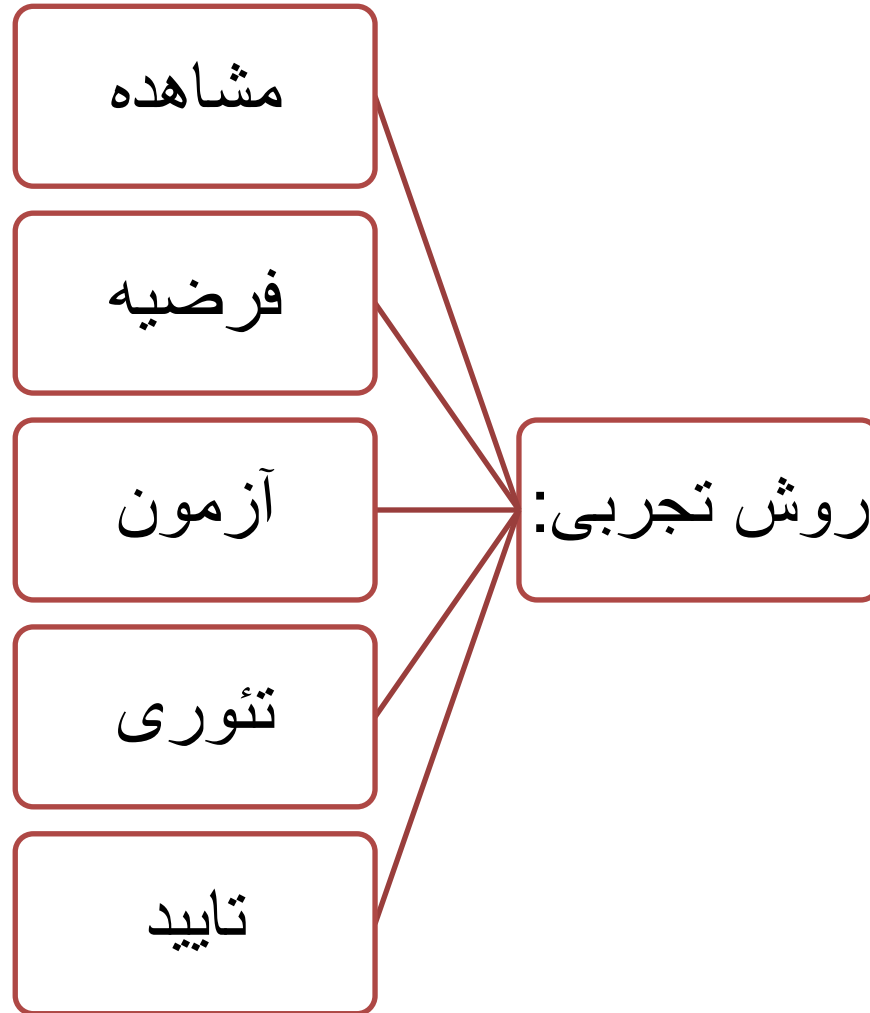
## روش در ریاضیات

- بعد از اصول، نوبت به استنتاج‌های ریاضی می‌رسد. شیوه‌ای که عمدتاً در این قسمت به کار می‌آید، شیوه‌ی قیاسی به معنای منطقی کلمه است. اما این، تنها شیوه نیست. شکل دیگری از استدلال در ریاضیات وجود دارد که به آن استقراء می‌گویند. استقراء مطرح در ریاضیات با آنچه در منطق ارسطویی بیان گردیده، فرق دارد. در ریاضیات اگر بتوانیم قضیه را برای هر مقدار « $N$ » و سپس برای هر مقدار « $N+1$ » ثابت نماییم، آن قضیه برای هر مقداری ثابت شده است.

## روش در علوم طبیعی

- فیزیک، شیمی و زیست شناسی، علوم طبیعی را تشکیل می دهند و کار آنها تبیین پدیده های طبیعی است. مقصود از تبیین پدیده این است که عالم علم طبیعی بتواند پدیده ی مورد مشاهده را با یک قانون تجربی مرتبط سازد.

# روش در علوم طبیعی



## روش در علوم طبیعی

- اجازه دهید برای واضح شدن این مطلب، مثالی بزنیم. فرض کنید وزنه‌ای را از یک ارتفاع رها می‌کنیم. وزنه به پایین می‌افتد و بالا نمی‌رود. در حین سقوط نیز مرتباً بر سرعتش افزوده می‌شود. به عبارت دیگر وزنه حرکتی شتابدار به سوی پایین دارد. اگر ما بتوانیم همین پدیده‌ی ساده‌ی افتادن وزنه را بر اساس قانونی توضیح دهیم، ما پدیده‌ی فوق را تبیین کرده‌ایم.

## روش در علوم طبیعی

- در فیزیک نیوتنی گفته می‌شود: زمین جاذبه‌ای دارد و با آن جاذبه اشیاء را به سمت خود می‌کشد و از آنجا که اشیاء هر چه نزدیک‌تر به زمین شوند، با میدان جاذبه‌ی بیشتری روبه‌رو می‌گردند، شتاب حرکت آنها افزایش پیدا می‌کند. توضیحی که ما بر اساس قانون جاذبه‌ی عمومی نیوتن ارائه می‌دهیم، تبیین پدیده‌ی مورد نظر ما است. در واقع این تبیین، اتفاقی را که در عالم طبیعت رخ داده و ما آن را با مشاهده و تجربه شناسایی کرده‌ایم، با یک قانون مرتبط می‌سازد.



## روش در علوم طبیعی

- اما این قانون چگونه پیدا می‌شود؟ بحث چگونگی پیدایش قانون از بحث‌های بسیار پر اختلاف در فلسفه‌ی علوم تجربی است. آنچه در این زمینه به عنوان روش عمومی ذکر می‌شود، چنین است: یک دانشمند علوم تجربی بر اساس مجموعه‌ای از پدیده‌ها که مشاهده کرده، فرضیه‌ای می‌سازد که این فرضیه می‌تواند پدیده‌های مشاهده شده را توجیه کند. سپس فرضیه را در موارد دیگری که هنوز مشاهده نشده، به آزمون می‌گذارد.

## روش در علوم طبیعی

- اگر این فرضیه بتواند در آن موارد هم، پدیده را توجیه کند و نتایج عینی پدیده، با نتایج مطرح در فرضیه منطبق باشد، مورد تأیید قرار می‌گیرد و مادامی که با نقض مواجه نشده، دایم در حال تأیید شدن است. حال اگر فرضیه‌ای مورد تأیید تجربی قرار گیرد، به قانون تبدیل می‌شود. بنابراین قوانین تجربی عبارتند از فرضیه‌های تجربی که با مشاهدات و تجربیات ناسازگاری ندارند. اگر در جایی فرضیه یا قانون با تناقض روبه‌رو گردد و آثار عینی پدیده با نتایجی که در قانون گرفته می‌شود، سازگاری نداشته باشد، باید اصلاح گردد و فرضیه و قانون دیگری جایگزین آن شود.

## روش در علوم طبیعی

- نمونه‌ای از این تغییر را در فیزیک شاهد بودیم. نیوتن بر اساس مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی، فرضیه‌های نیوتنی را بیان کرد. این فرضیه‌ها بر اساس تجربیاتی مورد تأیید قرار گرفت و تبدیل به قانون شد. بدین ترتیب قوانین و اندیشه‌ی نیوتنی بر تمام فیزیک حاکم گردید و تا دویست سال با هیچ نوع بحران و مشکلی مواجه نشد. بعد از دویست سال در نتیجه‌ی پیشرفت‌هایی که در ابزارهای تجربی پیدا شد، این امکان فراهم گردید که بعضی از چیزهایی که قبلاً قابل رؤیت نبود، مشاهده شود و اینجا بود که فیزیک نیوتن در بعضی موارد، جواب-گوی بعضی از پدیده‌های طبیعی نبود و می‌بایست فیزیک دیگری به عنوان تکمیل فیزیک نیوتن مطرح گردد. نسبت خاص و نسبت عام که هر دو حاصل اندیشه‌ی اینیشتن است، به همین سبب و در اثر برخورد فیزیک نیوتن با موارد نقص به وجود آمد.

## روش در علوم طبیعی

- مهم‌ترین خصلت فرضیه‌ها و قوانین تجربی، قدرت پیشگویی آنها است. اگر بتوانیم بر اساس یک فرضیه، حادثه و پدیده‌ای را قبل از این که اتفاق افتد، پیش بینی کنیم و بعد از اتفاق افتادن آن پدیده، همان نتیجه را به دست آوریم، در واقع به فرضیه‌ای درست دست یافته و فرضیه‌ی ما با این آزمون مورد تأیید قرار گرفته است.

## روش در علوم طبیعی

- به طور مثال فرض نمایید بر اساس فرضیه‌ای پیش بینی می‌کنیم که اگر وزنه‌ای با وزن یک کیلوگرم از ارتفاع پنجاه متری رها گردد، در ارتفاع بیست متری سرعتی دو برابر خواهد داشت. اگر بعد از به آزمون گذاردن این فرضیه، به همین نتیجه دست یابیم، به صحت فرضیه‌ی خویش مطمئن می‌شویم. در واقع فرضیه به ما این توان را می‌دهد که قبل از به وجود آمدن پدیده در خارج، آن را پیش بینی کنیم و بعد از مشاهده‌ی پدیده در صورت تطبیق نتایج با نظریه بر صحت آن تاکید ورزیم. این پیش بینی در علوم تجربی نقش جوهری و اساسی دارد.

## روش در علوم طبیعی

- از جمله نمونه‌های واقعی این پیش بینی‌ها در ساحت علم، پیش بینی آینشتن بود. وی بر اساس فرضیه‌ی خویش، نتیجه گرفت مسیر نور در میدان جاذبه منحرف می‌شود. تا قبل از وی، دیگران معتقد بودند جاذبه هیچ اثری روی نور ندارد؛ زیرا نور جرم ندارد و قوانین نیوتنی اقتضا می‌کرد که جاذبه تنها در حیطه‌ی اشیای دارای جرم تأثیرگذار باشد.

## روش در علوم طبیعی

- پیش بینی آینیشتن سال‌ها بعد در یک کسوف کامل توسط یک تلسکوپ قابل رؤیت شد. ستاره‌ای که در حالت عادی در جایگاهی بود، در آن حالت به خصوص که نورش از کنار خورشید عبور می‌کرد و تحت تاثیر جاذبه‌ی خورشید قرار می‌گرفت، در یک نقطه‌ی دیگری رؤیت می‌شد؛ مثل آنچه برای یک چوب یا میله‌ی مستقیم در هنگامی که نیمی از آن در آب فرو می‌رود، اتفاق می‌افتد. وقتی اختلاف رؤیت این ستاره که در واقع میزان انحراف زاویه‌ی نور را نشان می‌داد، اندازه‌گیری شد، درست همان اندازه‌هایی به دست آمد که فرمول‌های آینیشتن نشان می‌داد؛ در حالی که وی سال‌ها قبل صرفاً در یک محاسبه‌ی ریاضی به این نتیجه رسیده بود. این مشاهده در آن زمان سر و صدای بسیار زیادی ایجاد کرد و به عنوان یک نتیجه‌ی بسیار مهم که نظریه‌ی آینیشتن را اثبات می‌نمود، مطرح گردید.

## روش در علوم طبیعی

- لازم به ذکر است که آنچه به عنوان روش شناسی علوم تجربی و چگونگی به دست آمدن قانون بیان می‌شود، با این سؤال نیز روبه‌رو است که آیا چنین مسیری، واقعاً مسیری است که ما را به واقعیت می‌رساند و می‌تواند کشفی نسبت به واقع داشته باشد؟
- این مطلب امری است که در فلسفه‌ی علم در مباحث معرفت شناسی به شدت مورد بحث قرار گرفته و فیلسوفان علم آن را مفصل مطرح کرده‌اند.



## روش در علوم طبیعی

- در واقع این روش تجربی که اصطلاحاً به آن **استقراء** می‌گویند، همان استقراء منطقی است که در منطق ارسطویی نیز مطرح می‌گردد. اولین سؤال در آنجا این است که آیا استقراء می‌تواند مفید یقین باشد؟

## روش در علوم طبیعی

- از نظر منطق ارسطویی استقراء تام تنها استقرایی است که مفید یقین است. اما می‌دانیم اصلاً چنین استقرایی در علوم تجری وجود ندارد. ما نمی‌توانیم تمام موارد و افراد یک پدیده را مشاهده کنیم. نهایتاً بخشی از آنها قابل رؤیت هستند. پس تمام استقراءهای علوم طبیعی، استقراء ناقص است و از نظر منطق ارسطویی این استقراء نمی‌تواند مفید یقین باشد.

## روش در علوم طبیعی

- در علوم تجربی هم نوع عالمان تجربی توجه دارند که آنچه ما در علوم تجربی به دست می‌آوریم، ظن است و این ظن هر چند ممکن است در موارد مختلف، مرتبه‌ای متفاوت داشته باشد؛ اما بیشتر از یک ظن نیست و هرگز به مرحله‌ی یقین نمی‌رسد.

## روش در علوم طبیعی

- در این میان شهید صدر در کتاب «الاسس المنطقيه للاستقراء» سعی کرده اثبات نماید که ما می‌توانیم از طریق استقراء به یقین دست پیدا کنیم و بدین وسیله تلاش نموده بحرانی را رفع نماید که منطق ارسطویی و فیلسوفان علم متأخر - مثل پوپر - با آن روبه‌رو بودند و اعتقاد داشتند که نمی‌توان راه حلی برای مشکل استقراء یافت. شهید صدر همچنین اصرار دارد که اکثر معارف بشری بر استقراء مبتنی است و معرفت استقرایی، عمده‌ترین طریق معرفتی بشر است.

## روش در علوم طبیعی

- از جمله بحث‌های دیگری که در فلسفه‌ی علوم تجربی مطرح می‌شود، این است که آیا تجربه قدرت اثبات دارد؟
- در غرب کسانی که تجربه را طریقی برای معرفت می‌دانند - یعنی تجربه‌گرایان - به دو دسته تقسیم می‌شوند:
  - ۱- پوزیتیویست‌ها
  - ۲- نگتویست‌ها.

## روش در علوم طبیعی

- پوزیتیویست‌ها یا فیلسوفان تحصلی معتقدند ما با تجربه نمیتوانیم امری را اثبات نماییم.
- در مقابل نگتیویست‌ها - یعنی فیلسوفانی مثل پوپر - معتقدند: تجربه فقط می‌تواند فرضیه‌ای را نفی و آن را ابطال کند؛ اما هیچ وقت نمی‌تواند اثبات نماید.

# روش در علوم طبیعی

- این کتاب که حدود چهل سال قبل در دانشگاه تهران منتشر گردید، نزدیک ترین کتاب به بحث‌های سنتی ما است. بحث‌های دیگران در زمینه‌ی روش شناسی با توجه به پرسش‌های معرفت شناسانه‌ای که وجود داشته، خیلی از سبک و سیاق بحث‌های کلاسیک فاصله گرفته؛ اگرچه در هر حال بستر اصلی همان بحث‌های کلاسیک و سنتی بوده است. در حالی که بحث‌های این کتاب به دلیل این که نسبتاً قدیمی است به بحث‌های سنتی و کلاسیک نزدیک تر است.
- در بحث‌های معاصر بر این نکته تأکید می‌شود که تمام دانش‌های بشری در این جهت با هم مشترکند که همگی بر مجموعه‌ای از تعاریف، مجموعه‌ای از علوم متعارفه و مجموعه‌ای از اصول موضوعه مبتنی هستند. بنابراین ساخت کلی تمامی آنها با آنچه در مورد ریاضیات گفته می‌شود، یکسان است.
- می‌دانیم علم ریاضی، موضوع خود را از فلسفه می‌گیرد. در فلسفه از عوارض و جواهر سخن به میان می‌آید. «کم» یکی از عوارض است که دانش ریاضی در مورد آن سخن می‌گوید. ما در ریاضی با تعاریفی در باب انواع کمیات شروع می‌کنیم؛ مثلاً بیان می‌داریم که خط، نقطه، سطح،... چیست و یا عدد چیست و انواع آن کدام است؟ این یک بخش از اصولی است که باید ابتداءً در ریاضیات روشن شود.
- تمام هندسه‌ی اقلیدسی بر اساس همین مفاهیم یعنی مجموعه‌ای از تعاریف و مجموعه‌ای از علوم متعارفه و مجموعه‌ای از اصول موضوعه شکل می‌گیرد. البته تنها اصل موضوع مهم آن همین اصل موضوعی است که در متن بیان گردید.
- ناگفته نماند آنچه در مورد اصول علم ریاضی بیان نمودیم، نیازمند مباحث مفصل تری است که در جای خودش مطرح می‌گردد و ما در اینجا قصد بیان آنها را نداریم. مثلاً این که «تعاریف ریاضی چگونه پیدا می‌شوند؟» یا «آیا واقعا همه‌ی اکسیوم‌ها و علوم متعارفه بدیهی‌اند یا بعضی از آنها پیش فرض گرفته می‌شوند؟ و در این صورت فرق آنها با اصول موضوعه چیست؟» یا... همه بحث‌هایی است که در روش شناسی علم ریاضی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعضی از این مباحث مثل چگونگی پیدایش تعاریف ریاضی، از یک سو به دلیل این که ریشه در مباحث فلسفی دارند، در زمره‌ی مباحث وجود شناسی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر به مباحث معرفت شناختی مرتبط می‌شوند.

# روش در علوم طبیعی

- . معنای کلمه‌ی «فیزیک» که امروزه اشاره به دانش خاصی در مقابل شیمی و زیست‌شناسی دارد، «طبیعت» است و از آنجا که این دانش به خصوص را دانش طبیعت می‌دانستند، به آن فیزیک می‌گفتند. یادآور می‌شویم که در فلسفه‌ی قدیم علم طبیعیات، مشتمل بر فیزیک امروزی، شیمی و زیست‌شناسی بود و افرادی مثل بوعلی سینا و ابن هیثم از کسانی هستند که در این زمینه به تالیف کتاب پرداخته‌اند. آنها مباحثی در این زمینه مطرح کردند که با مباحث امروزی کاملاً سازگاری دارد؛ مثل بحث‌هایی که ابن هیثم در فیزیک نور بیان نموده است. مطالب ابن هیثم در فیزیک نور، تا آن حدی که وی می‌توانسته به آن برسد، کاملاً با مطالبی که امروز مطرح می‌شود، سازگار است.
- . مراحل شکل‌گیری قانون عبارتند از: ۱. ارائه‌ی فرضیه‌ای بر اساس پدیده‌های مشاهده‌شده ۲. به آزمون گذاردن آن در موارد مشاهده‌نشده ۳. به دست آوردن قانون در صورت تأیید فرضیه ۴. اعتبار قانون فوق در صورت عدم مواجهه‌ی فرضیه با نقض ۵. جایگزینی قانون و فرضیه‌ای جدید در صورت مواجهه با نقض.
- . میزان موفقیت شهید صدر بحثی است که باید در جای خودش مورد بررسی قرار گیرد.
- . البته پوزیتیویست‌ها خودشان بر دو گروه هستند: یک گروه قایل به اثبات از طریق تجربه هستند و گروه دیگر قایلند که تجربه می‌تواند تأیید کند، هر چند نمی‌تواند اثبات نماید.



## روش در روان شناسی

- در روان شناسی دو روش مطرح است:
- ۱. روش ذهنی یا انفسی - سابجکتیو -
- ۲. روش عینی یا آفاقی - آبجکتیو -

## روش در روان شناسی

- در روش ذهنی یا سابجکتیو، روان شناس در حالات روحی و روانی-اش تأمل می کند و با مطالعه‌ی درون خویش به یک سری نتایج دست می یابد. در این روش، عالم - آن که مطالعه می کند - و معلوم - آنچه مورد مطالعه قرار می گیرد - یک چیز است. خودِ شخص، خودش را بررسی و مطالعه می نماید.

## روش در روان شناسی

- برای روش دیگر - روش عینی - چند شیوهی فرعی ذکر شده است که اگرچه این روش‌ها هم عرض هم نیستند؛ اما به شکل هم عرض، عرضه شده‌اند.

## روش در روان شناسی

- یک روش فرعی این است که شخص دیگران را مورد مطالعه قرار دهد و با پرسش‌هایی که به صورت کتبی یا شفاهی از آنها می‌پرسد، به خصوصیات روحی و روانی آنها پی ببرد. این پرسش‌ها در روان شناسی به مرور زمان به سمت پرسش‌های استاندارد پیش رفت و به «تست» تبدیل گردید. تست‌های روان شناسی یک سری سؤالات استاندارد هستند که بر اساس آزمون‌هایی فراهم آمده‌اند.

## روش در روان شناسی

- بر اساس این آزمون‌ها روان شناسان نتیجه گرفتند که همه‌ی افرادی که به یک شکل به آزمون پاسخ می‌دهند، از خصوصیات روحی واحدی برخوردارند. پس خصوصیت و روحیه‌ی افراد بستگی به نحوه‌ی پاسخ گویی آنها دارد.
- آنها که به شکل فرضاً «الف» پاسخ دهند، از خصوصیات گروه الف بهره‌مندند و آنها که به شکل فرضاً «ب» پاسخ دهند، دارای خصوصیات گروه ب هستند و...

## روش در روان شناسی

- البته باید توجه نمود که مکاتب روان شناسی هر یک بر اساس مبانی خاصی شکل گرفته‌اند. به همین دلیل در تست‌ها و پرسش‌هایی که بر اساس همین مبانی تنظیم شده‌اند، با هم اختلاف دارند. یعنی همان طور که مبانی آنها مختلف است، تست‌های استاندارد آنها نیز با هم اختلاف دارد.
- در واقع بین مبانی و روش‌ها، تعامل مستمری وجود دارد. کسانی که از مبانی فروید مثلاً تبعیت می‌کنند، قضاوتشان به یک شکل است، کسانی که پیرو مبانی یونگ هستند، قضاوتی دیگر دارند و رفتار گرایان، دارای قضاوتی متفاوت با آن دو هستند و....

## روش در روان شناسی

- بنابراین تست‌های مطرح در روان شناسی، یک مجموعه از پرسش‌های مشخص است که یک سری تفسیرهای مشخص برای آنها وجود دارد. این تست‌ها بر اساس نوع نظریه‌ای که روان شناس در روان شناسی دارد، تنظیم می‌گردد؛ اما همه‌ی روان شناسان سعی می‌کنند دریابند که چه پرسش‌هایی مطرح کنند تا پاسخ آنها کاشف از حالات روحی شخص باشد و چگونه این پاسخ‌ها را تفسیر کنند تا تفسیرها، شخصی و موردی نباشد. آنها به دنبال معیار و ضابطه‌ای هستند که بر اساس آن بتوانند افراد را با هم مقایسه کنند.

## روش در روان شناسی

- دو کلمه‌ی ساجکتیو و آجکتیو که در فلسفه‌ی غرب بسیار به کار می‌روند، معادل دقیقی در فارسی ندارند و این یکی از معضلات ما در هنگام ترجمه است. الفاظ مختلفی مثل ذهنی و عینی، آفاقی و انفسی، ناسوتی و لاهوتی از الفاظی هستند که به عنوان معادل آن دو کلمه استعمال می‌شوند؛ اما هیچ یک از این تعابیر دقیقاً بیانگر معنای آن دو کلمه در فلسفه‌ی غرب نیست. بله نزدیکترین تعبیر، تعبیر ذهنی و عینی است.
- در آینده در روش شناسی علم اصول خواهیم گفت که عمده روش ما در کشف ارتکازات عقلایی همین روش است.
- در واقع ذهن این توانایی را دارد که خودش در یک منظر بنشیند و به خودش نگاه کند و نسبت به خویش داوری نماید.



## روش در روان شناسی

- تست IQ یا تست هوش از جمله این تست‌های استاندارد است که برای ارزیابی هوش افراد به کار گرفته می‌شود.
- قالب روان شناسان تحت تأثیر فروید هستند و به آنها «فرویدین» می‌گویند.
- Behaviorists .
- امروز در روان شناسی شاخه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک با رویکرد خاصی به بحث روان شناسی می‌پردازند.